



FUNNY, INTELLIGENT, FEARED AND LOATHED

4 MAY 1990 51 18 62.05 - DN 7.00

PUNCH



اشاره

پانچ مجله قدیمی انگلستان یکی از مشهورترین هفته‌نامه‌های نکاهی - سیاسی جهان پس از ۱۵۱ سال انتشار مداوم در فروردین ۱۳۷۱ تعطیل شد. مسئولان این نشریه علت تعطیل آن را عدم استقبال خوانندگان و علاقه‌مندان ذکر کردند.

آنچه در پی می‌آید مطلبی است درباره پانچ که از مجله نکته ترجمه شده. یادآور می‌شود که این مطلب احتمالاً قبل از تعطیلی این مجله نوشته شده‌است.

کرده‌اند - خوانندگان وفادار پانچ که حدود هشتاد سال از عمرشان می‌گذرد، با تحولات نوین جهان مخالفند و معتقدند که نباید سبک و سیاق عمومی پانچ که به آن انس گرفته‌اند، تغییر یابد. به طور مثال، شرایدن مورلی که همیشه در محل کار پاپروانه راه می‌رود، می‌گوید: «وقتی مدیریت جدید آدم را مجبور می‌کند که باید کفشهایت را بپوشی، آن وقت است که می‌فهمی دنیا عوض شده است در این میان، دیوید توماس مدیر جدید پانچ عقیده دارد با کاریکاتورهای عامیانه‌ای که چاپ می‌کند و مطالب «جزیره بیکار»، دیگر حتی به درد اتاق انتظار پزشکان نیز نمی‌خورد. هیأت جدید، در تلاش برای پیوند گذشته و آینده است. دفتر پانچ با کفپوش چوبی و قفسه کتابهای گرد و خاک گرفته واقع در کوچه «تودور»، اکنون به دفتر بسیار مجهزی تبدیل شده‌است که در زمینه آمار و ارقام پیشرفت و بازاریابی و فروش فعالیت می‌کند. بیل تایدی، کاریکاتوربست سابق پانچ، از جمله کسانی است که به تحولات اخیر مشکوکند. به نظر او، با فرمول «۶ کیلو شوخی سبک + ۵ کیلو قهقهه» نمی‌توان طنز تولید کرد و نزد او چنین طنزی کالای مورد قبولی نیست. به نظر تایدی، وقتی که در تلویزیون استفاده از حرکات و گفتار چرت و پرت را کمیدی و شوخی به حساب می‌آورند و با انتشار Viz فروش میلیونی دارند، و در مقابل، پانچ فقط ۳۳ هزار نسخه فروش دارد، باید به این دنیای نوین لعنت فرستاد.

پانچ،

مجله قدیمی انگلستان

ترجمه احمد مرجانی نژاد

یافته، اظهارات خوش‌بینانه «توماس» قابل تقدیر است که می‌گوید: دود از کنده بلند می‌شود و پانچ می‌تواند قویتر و معتبرتر شود. اما، در واقع، کمتر کسی در این اوضاع، حاضر به قبول مسؤلیت و جانشینی اوست. حتی در این باره، استانی ریسنولدز نویسنده سابق پانچ می‌گوید: «عیسی مسیح را دوباره فراخواندن، آسانتر از افزایش فروش پانچ است.» به نظر کسانی که در مورد پانچ چنین حرفهای ناامیدکننده‌ای می‌زنند، پانچ با از دست دادن شهرت، و در حال اغمای کنونی، بهتر آن است که منحل شود. اما انحلال یا تغییر پانچ که عاداتهای اجتماعی و تحولات زمانه را در صفحاتش منعکس کرده و نزد تاریخ اجتماعی نویسان امروزین، مأخذ بااهمیتی است و برخی از انگلیسیها به آن سخت عادت کرده‌اند، مسلماً واکنشهایی ایجاد خواهد کرد.

بعضی از دست‌اندرکاران پیشین پانچ - که گویا به کار در باشگاهی ویژه عادت

پانچ ۱ سه سال قبل در یکصد و چهل و هفتمین سالگرد فعالیتش، با تحولی جدی روبه‌رو شد. به نظر آقای پیتربورک مدیر بازاریابی نیوز پی پرس، که در ضمن آخرین صاحب پانچ نیز بود، این «نادان رنجبر» که روزگاری باب طبع مزاح انگلیسیها بود، دیگر باید بیدار و با زمانه همگام شود. زیرا امروزه انسانها به جای «ضربه مشتت آرام و لرزان»، خواهان «گاز گرفتن»‌اند. به همین علت، شرکت باکادر جدید، که متشکل از جوانان و عصیانگران و مدیر انتشارات فعال بود، شروع به فعالیت کرد.

دیوید توماس، ۳۱ ساله با پیراهن خال خال و عینک دودی آخرین مدشن، و طرح تبلیغاتی «مشت رسانه‌های گروهی» که به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد فعالیت پانچ تدارک دیده‌است، اطمینان دارد که در تغییر افکار عمومی موفق خواهد شد. در مورد پانچ که بعد از جنگ تیراژش ۱۲۵ هزار نسخه بود و اکنون به ۳۳ هزار نسخه کاهش

قبل از سال ۱۹۶۰، از بیرون «نسیمی آرام» در اندرون پانچ شروع به وزیدن کرده بود، ولی با همه اینها، تا سه سال قبل پانچ خط مشی گذشته‌اش را طی می‌کرد. مالکوم موگریج مدیر و مسؤل سابق انتشارات پانچ نیز که با هدف رسوخ به جهان نوین بر سر کار آمد، در پایان، به خاطر غوغای تیراژ عقب‌نشینی کرد و با گفتن این جمله که «شغلی بدتر از خنداندن انگلیسیها وجود ندارد»، از پانچ جدا شد.

آن روزهای قدیمی
نام پانچ در یک میهمانی شاد در «تاورنا» و با

مجبور به تعطیلی می‌شدند، تداوم حیات پانچ حتی برای مؤسسان آن نیز تعجب‌آور بود.

صدای ستم‌دیدگان

یکصد و پنجاه سال قبل که پانچ انتشار یافت، شعار تبلیغی‌اش این بود: «محتاج به خالق پناه می‌برد» در مانگاه هزاران شوخی بی‌صاحب مجموعه مصور شادی که هدفش تشکیل استراحتگاهی است برای میلیونها مطلب سرگردان که به مرور زمان محکوم به فنا هستند.»

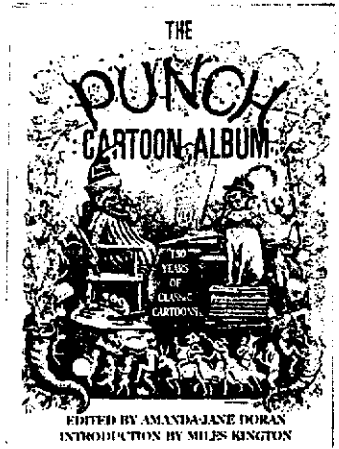
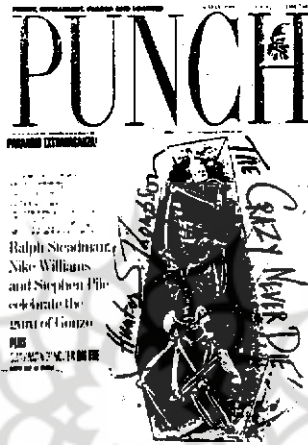
نقاشیها با سخنان حکیمانه و قابل فهمی تزئین می‌شد. این بخش که در مطالب آن معمولاً از نقاشی و نکات سیاسی به طور مستقل استفاده می‌شد، مهد کاریکاتور نوین نیز به شمار می‌آمد.

به رغم آنکه جلد و مجموعه نقاشیها سمبل و محور اصلی مجله به شمار می‌رفت، همواره تقدم نویسندگان بر نقاشان مسأله قابل توجهی بود. طرفداران پانچ در مهمانیهای هفتگی طرح سیاسی روی جلد مجله را تعیین، کنترل و ارزیابی می‌کردند. البته مهمانیهای هفتگی خوراکی، یکی از تفریحات رایج بود.

فریاد فروخته

این محیط آرام که از دوستان قدیمی تشکیل یافته بود، برای مجله، زیانهای نیز در برداشت. زیرا برخی مطالب تهیه شده، در نهایت آرامش و بدون توجه به واکنشهای خوانندگان، چیزی بود در حد شوخیهای شخصی. و به علت اطمینان از ادامه کار، کیفیت مطالب نوشته شده نیز مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. پانچ هر چه جا افتاده‌تر و تشکیلاتی‌تر می‌شد، فضای اطمینان و آسایش نیز افزایش می‌یافت و در این اثنا بود که لحن پانچ تغییر کرد. کسانی که روزگاری رادیکال می‌نمودند، وقتی در دیگر کفه ترازوی اجتماعی به صورت اعضای مرفه طبقه متوسط جامعه جای گرفتند، پانچ نیز از آنها پیروی کرد و دیدگاهش را با آنها تنظیم نمود. به نظر میلس کینگتون نویسنده، پانچ با جمع‌آوری سلولها بز روی سلولهای مرده، هر روز سنگین‌تر شد. مثلاً بیمار شدن یک تمساح در باغ وحش و یا کشف یک حشره پنج هزار ساله در یک چاه، آلن کورن مدیر مسؤل سابق پانچ، فوری بر مدد فانتزیهایش درباره آن موجودات هزار کلمه «خاطرات» می‌نوشت. اما اکنون هر چه از آن زمان می‌گذرد، از آن وضع دورتر می‌شویم. امروزه بحران هویت پانچ، مشکل و مسأله اصلی نیروهای جدید است. ولی با این همه، آنها امیدوارند و مصمم به پایداری.

۲۱ ژوئیه از مجله «نکته» (NOKTA)



پانچ در سالهای اول انتشار، بدون وابستگی و بی‌ملاحظه در قبال هر نوع بی‌عدالتی قانونی و سیاسی و اجتماعی، قد علم کرد و فریاد مظلومانی شد که تصادفاً هدف ظلم قرار گرفته بودند. خوانندگان پانچ نمی‌توانستند حدس بزنند که در شماره آینده چه مطلب و یا چه کسی مورد نقد قرار خواهد گرفت. ولی مطمئن بودند که در تیریس پانچ، ثروتمندان قرار دارند. البته حکومت سلطنتی نیز از نیش زبان پانچ بی‌نصیب نمی‌ماند.

از آنجا که دانشجویان سالهای آخر رشته حقوق و هنرمندان بیکار تشارت، در زمرة تهیه‌کنندگان مطالب پانچ بودند، کیفیت مطالب علم حقوق و هنر تشارت از سطح بالایی برخوردار بود. سعی بر این بود که مقاله‌های بدون امضا کوتاه و خلاصه باشد و نیز در هر مقاله، تصویرها و نقاشیهای با ابعاد کوچک گنجانده می‌شد. این تصویرها و

الهام از شخصیت یک پرخاشجوی نمایش خیمه‌شب‌بازی به نام «پانچ اندجودی» انتخاب شد. بانیان پانچ، اینز لندنلس و هنری مائی هو بودند، در سالهای ۱۸۴۱، با سرمایه‌ای در حدود بیست و پنج استرلینگ، در آن سالها، جهانگردی و بازی راگی و دستگاه خیابان‌روب تازه باب شده بود و انگلستان با تصاحب هنگ‌کانگ دوران پرتلاطمی را می‌گذراند، یعنی درست چهار سال پس از تاجگذاری ملکه ویکتوریا. و به رغم وجود نشریاتی که اکثراً روح ناامیدی و ترحم را منعکس می‌کردند ظهور و رشد قارچ‌گونه نشریات باعث تورم نشریات شد: روزنامه‌هایی سرشار از فحاشی، اعلامیه‌های سیاسی، و اعلاناتهای دستی که پر از دروغ و حقارت و افترا بودند. مطبوعاتهای محترمی که در رأس هرم قرار داشتند، نیز ظاهری موقر و مصمم داشتند. در قبال این همه نشریه که چند صباحی بعد از انتشار